

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هجدهم
شماره ۲۰۷ خرداد ماه ۱۳۹۶ - ژوئن ۲۰۱۷

تجزیه طلبان ایرانی هدستان امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه هستند

با ناسیونال‌شونیسم خلقهای ایران چه فارس، چه آذری، عرب و یا گُرد و... باید مبارزه کرد. این ملی‌گراها، اعم از اینکه متعلق به کدام ملت باشند، ارزش ملت خویش را بالاتر از سایر ملل جا می‌زنند و این برتری‌جویی ملی را "میهنپرستی" وانمود می‌سازند. فارسی‌های ملی‌گرا بر ضد سایر ملل ایران فقط به توهین و تحقیر مشغولند و به ویژه نسبت به اعراب، اینان؛ هموطنان ایرانی ما را به بهانه مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی آماج زشتترین دشنام‌ها قرار می‌دهند. عده‌ای چند هزار نفره از آنها در اطراف مقبره کورش جمع شده و به بهانه تجلیل از کورش و میراث تاریخی ایرانیان، با شعارهای ارتجاعی به اعراب به طور کلی به منزله آورندگان اسلام حمله کردند. این سیاست ربطی به احترام به ارزشهای ملی، تاریخ و هویت ملی ایرانیان ندارد، بلکه سیاست اسرائیلی‌ها در ایران است که در پی ایجاد تفرقه در میان خلقهای ایران و به ویژه ایجاد اختلاف و تشدید تضاد و دامن زدن به نفرت ملی ضد عرب در ایران هستند تا با ایجاد دشمنی با خلقهای فلسطین، لبنان، عراق و سوریه راه نزدیکی با صهیونیستهای اسرائیلی را هموار کرده و اشغال سرزمینهای عربی را توجیه نموده و دست داعش را برای تخریب در منطقه باز بگذارند. این سیاست اسرائیلی‌ها ادامه سیاست ترور دانشمندان اتمی ایران و ترور دانشمندان و استادان دانشگاههای عراق و تخریب شهرهای... ادامه در صفحه ۳

دیکتاتوری پرولتاریا

دموکراسی برای اکثریت جامعه، دست‌آورد انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتبر و پرچم مبارزه بر ضد رویونیسم است

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر پیروزی لنینیسم بود. یکی از دست‌آوردهای انقلاب اکتبر تحقق این ایده اساسی مارکس است که در دوران گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم، در مرحله نخست آن که معمولا آنرا مرحله سوسیالیسم می‌نامند، به یک دوران گذار سیاسی نیازمند است. در این دوران هنوز مخلوطی از اشکال تولیدهای ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری وجود دارد و از نظر طبقاتی نیز قشر وسیعی از خرده بورژوازی که بر اساس منافع طبقاتی و وضعیت اقتصادی خویش همواره متزلزل است موجودیت خویش را حفظ کرده که تأثیراتش را در سراسر جامعه بازتاب می‌دهد. این موانع به جز فعالیت خرابکارانه و تبلیغات بورژوازی سرنگون شده ولی ناپود نشده است. لذا مارکس برای غلبه بر این مشکلات و موانع از دولتی در دوران گذار صحبت می‌کند که چیزی جز دیکتاتوری پرولتاریا نمی‌تواند باشد. این دیکتاتوری در زمانی مستقر است که در دوران سوسیالیسم هنوز سرمایه‌داری به طور کامل از بین نرفته و کمونیسم هنوز به پیروزی نرسیده است تا دولت زوال یافته و جامعه بدون طبقه به وجود آید. دیکتاتوری پرولتاریا اعمال قهر انقلابی برای سرکوب طبقات از قدرت به زیر کشیده، ولی هنوز باقیمانده است که تلاش خواهند کرد با چنگ و دندان مجدداً به قدرت باز گردند. اعمال قهر همیشه در تاریخ وجود داشته و این اختراع کمونیستها نیست. برده داران با توحش و بربریت بی نظیری برضد بردگان اعمال قهر می‌کردند و حتی این سنت دوران برده‌داری را در زمان کشف آمریکا به کار گرفتند تا نیروی کار خویش را در آمریکا با استفاده از همین روش تامین کنند. این طبیعتاً یک قهر عریان بود. استثمار و سرمایه‌داری با غارت مستعمرات و برای سرکوب... ادامه در صفحه ۴

فاجعه گرسنگی از آسمان نازل نشده است

کشورهائی که خود را به «جامعه بین‌الملل» متعلق می‌دانند، در سال ۲۰۰۵ مشترکاً تصویب کردند که تا سال ۲۰۱۵، ۵٪ از تعداد گرسنگان جهان به‌کاهند! همان زمان حزب ما کذب بودن این ادعا را که صرفاً برای منحرف ساختن و فریب اذهان عمومی طرح گشته بود، مستدل افشاء نمود و امروز واقعیات غیر قابل انکار، متأسفانه صحت نظریات حزب ما را ثابت می‌کند.

«سازمان تغذیه جهانی (FAO)» و «کمیسیون پارلمان اروپا» روز جمعه ۳۱ مارس سال ۲۰۱۷ در گزارش مشترکی از رشد فاجعه‌آمیز تعداد انسان‌هایی که از گرسنگی با خطر مرگ مواجه گشته‌اند، خبر دادند. طبق این گزارش «در سال گذشته ۱۰۸ میلیون نفر به علت عدم دسترسی به مواد غذایی، گرسنه به‌سربردند. این تعداد نسبت به سال گذشته یک سوم افزایش نشان می‌دهد». این روند به ویژه در مناطق جنگ‌زده، نظیر جنوب سودان، شمال نیجریه، یمن، عراق و سوریه که دست‌پروردگان امپریالیسم و ارتجاع، نظیر گروه‌های النصره، داعش، الشیاب و بوکوحرام با حمایت امپریالیسم و ارتجاع، جان و مال مردم را به‌غنابودی می‌کشاند، بیشتر مشهود و محسوس است. هم‌اکنون ۲۰ میلیون انسان در کشورهای آفریقائی از فرط گرسنگی با خطر مرگ مواجه‌اند. تنها در مرکز و غرب قاره آفریقا هیولای گرسنگی ۷ میلیون انسان را به مرگ تهدید می‌کند. در شمال نیجریه مردم این کشور جنگ‌زده نه قادر به کشت محصولات غذایی‌اند و نه قدرت خرید مواد غذایی را دارند. تاکنون بسیاری از مردم فقیر این کشور به علت گرسنگی در کام مرگ فرو رفته‌اند. این رشته سر دراز دارد. گرسنگی پدیده‌ای نیست که ناشی از «قهر الهی» و یا نادانی و کاهلی ذاتی افراد در کشورهای فقیر و عقب‌مانده باشد، افزایش روزافزون تعداد انسان‌هایی که از گرسنگی رنج می‌برند و یا از بین می‌روند، دلایل متعددی دارد که بیشتر آنها را باید در نظام جابر سرمایه‌داری جهانی جستجو کرد. از جمله افزایش روزافزون دمای زمین. کشورهای سرمایه‌داری و در رأس آن آمریکا و چین به علت متصاعد ساختن حجم عظیم گازهای گلخانه‌ای در صنعت، نقش موثری در افزایش دمای زمین ایفاء می‌کنند که اثرات مخربی در عرصه کشاورزی از خود به جای می‌گذارد. برای نمونه مردم کشورهای ساحلی غرب آفریقا بدون اینکه نقشی در... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به‌پیوندید



**Тов. Ленин ОЧИЩАЕТ
ЗЕМЛЮ ОТ НЕЧИСТИ.**

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتبر این ناقوس مرگ دنیای
سرمایه‌داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

تجزیه طلبان ایرانی همدستان...

عربی سوریه است. ملت‌های ترک، فارس، عرب، افغان، هند و... قرن‌ها در کنار هم در این منطقه زندگی کرده و بخشی از منطقه هستند و تمام آثار هنری و دستاوردهای فرهنگی در این منطقه نیز محصول فعالیت و مبارزه و زندگی مشترک همه این خلق‌هاست. در گذشته کشورهای به عنوان پاکستان و یا عراق و یا امارات متحده عربی و... وجود نداشته اند. مردم آنها نیز در کنار سایر ایرانیان در کنار هم می‌زیسته‌اند، تنها کشور مصنوعی در منطقه اسرائیل است که یهودیان آن اکثریت وارداتی هستند و به عنوان ابزار استعمار به منطقه گسیل شده و با یهودیان فلسطینی ساکن مناطق فلسطین زمین تا آسمان فرق دارند. وقتی امپریالیسم آمریکا موزه‌های عراق را غارت کرد، این آثار هنری و دستاوردهای بشریت فقط هویت تاریخی مردم عراق نبود، هویت تاریخی همه مردمان منطقه بود، احساس مسرت که گویا این غارت و کشتار جمعی مربوط به ما نیست و فقط عربها را شامل می‌شود، نشانه پستی و دنائت، نشانه نژادپرستی و ماهیت ضدبشری بانیان آن است. نتانیاهو در سفرش به مسکو در خدمت همین سیاست تفرقه افکنانه و دشمنانه خویش، از جشن پوریم اسرائیلیها که از نظر سندیت تاریخی تنها یک افسانه است، حرف زد که در آن روز، که آنرا یهودیان روز نجات خویش می‌نامند و مانند نوروز ایرانیان و شاید هم با تقلید و برداشت از آنها جشن می‌گیرند، گویا استر همسر یهودی خشیارشا پادشاه ایران در دوران هخامنشی، موفق شده است با قتل عام پارسیان مانع از انجام کودتایی بر ضد یهودیان گردد. نتانیاهو، جمهوری اسلامی را بنا بر مصلحت روز سیاست خارجی اسرائیل، نماینده پارسیان جا زد که گویا از هزاران سال پیش در پی کشتار "یهودیان" بوده‌اند. روشن است که پارسیان عرب نبودند، ولی صهیونیسم را چه باک که برای تکمیل جنایات خویش در منطقه پارس و عرب، ترک، کرد و... را به جان هم بیاندازد. واکنش پوتین رئیس جمهور روسیه به وی ناچارش کرد که خفان بگیرد و از سرای هذیان و افسانه به دنیای واقعیت برگردد. نتانیاهو در این تبلیغات فاشیستی خویش با اسلام کاری ندارد دشمنی خویش را با پارسیان نشان می‌دهد. هر تاریخ‌دان مبتدی هم می‌داند که در زمان هخامنشیان هنوز اسلام وجود نداشت تا بشود بر ضد "اسلام سیاسی" جنگید. ولی دوستان ایرانی نتانیاهو در ایران و در منطقه در همه عرصه‌ها به ویژه دروغ‌پراکنی فعالند و تنها نوع تبلیغات آنها با یکدیگر متفاوت است، ولی در ریشه و اساس همه این تبلیغات چه در دشمنی با مردم فلسطین، چه لبنان، چه سوریه، چه عراق، چه یمن و چه حمایت از برتری‌جویی ملی در قالب حمایت از ایران باستان، کورش هخامنشی، داریوش کبیر و... همه و همه در خدمت ایجاد تفرقه میان ملت‌های ایران است تا ایرانیان را با ایجاد دشمنی با کشورها و ملل منطقه به تفرقه و تجزیه بکشانند و دست جهان‌خواران و گماشته‌های آنها را در منطقه برای غارت و چپاول باز بگذارند. صهیونیست‌ها مرتب در ایران بر ضد سوریه، لبنان، فلسطین و یمن تبلیغ می‌کنند، از تجاوز عربستان سعودی، ترکیه، داعش و ناتو به

یمن، سوریه و فلسطین دفاع می‌کنند، ایرانیان ناسیونالیست و عقب‌مانده و فریب خورده را و می‌دارند که در قالب دلسوزی برای ایران و ایرانی، دشمنی با اعراب و نابودی عربها و سرزمینهای آنها را آرزو کنند. گفتاری نظیر "عربها به ما چه ربطی دارند خودشان به همدیگر کمک کنند و پای ایران را به میان نکشند" و یا "چرا پول به سوریه و فلسطین می‌دهند" ناشی از دلسوزی برای ایران نیست، بلکه حاوی مضمون بسیار عمیقتری است که باید دل و روده آنرا شکافت و بانیان این نوع تبلیغات اسرائیلی را افشاء کرد. همین ایرانیان "دلسوز" برای ایران و با صدای دلنواز به گوش اسرائیل، حتی اگر به منطق دشمنی با اعراب خویش نیز اعتقادی داشته باشند، باید از فروپاشی عربستان سعودی و امارات متحده عربی که در منطقه فاجعه آفریده‌اند و پدرخوانده‌های داعش هستند حمایت کنند. باید از ایجاد ناتوی عربی و پاکستانی در محاصره ایران به خشم آیند و ببینند که هدف نابودی و تجزیه ایران است. اگر ریگی در کفش این "دلسوزی"‌های صهیونیستی نیست، باید مدافع خلق یمن در مبارزه بر ضد بزرگترین تروریست منطقه یعنی عربستان سعودی باشند، زیرا نابودی خاندان آل‌سعود در عربستان سعودی طبیعتاً هم از تنش در منطقه، در یمن، پاکستان، افغانستان، لبنان می‌کاهد و هم به تروریسم در عراق و سوریه و در آینده توسط داعشی‌های وارداتی به ایران پایان می‌دهد. ولی این ایرانیان دلسوز صهیونیسم و متحد اسرائیل در منطقه، فقط با نوع خاصی از اعراب، با آن اعرابی مخالفند که در مقابل صهیونیسم اسرائیل ایستاده‌اند. ضد عرب بودن آنها نیز بیشتر حمایت از امپریالیسم و صهیونیسم است. شعار "نه غزه، نه لبنان جانم فدای ایران" تنها شعار اسرائیلی است که تدارک گرفتن جان ایران را در بطن خود دارد. در کنار این ایرانیان "دلسوز" که از آزادی سوریه مانند نتانیاهو نگراند و آرزوی پیروزی داعش را داشتند و دارند، شما با گردهای ناسیونالیست ایران روبروی هستید که هیچکدام از سازمانهای سیاسی آنها حاضر نیستند دولت کنونی خودمختار کردستان عراق را که محصول همدستی اکراد عراقی با امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و متحدانشان هستند، که بر گورستانی از فقر، خرابی و اجساد میلیون‌ها عرب عراقی بنا شده است، به عنوان پایگاهی ارتجاعی برای امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه بدانند. کردهای تجزیه‌طلب ایرانی، همدست اعراب تجزیه‌طلب هستند و برخلاف کردهای عراقی که دشمنان ملت عرب عراق هستند، آنها با سازمانهای تجزیه‌طلب ایران از جمله تجزیه طلبان عرب که جدائی خوزستان ایران را می‌طلبند، همدستند. ایرانیان ضد عرب، با گردهای ایرانی همدست عرب و خود اعراب تجزیه‌طلب دارای یک جبهه متحد می‌باشند، ولی هر کدام در عرصه‌ای به انجام وظیفه مشغولند. این رهبران کُرد عراق همیشه روابط حسنه‌ای با اسرائیل داشته‌اند. آنها یعنی آقایان مسعود بارزانی و جلال طالبانی در سال ۲۰۰۴ مسافران به اسرائیل بودند و با نخست وزیر سابق اسرائیل، آقای آریل شارن، ملاقات کردند تا از حمایت وی برای ایجاد اسرائیل دوم در منطقه برخوردار شوند. سازمانهای تجزیه‌طلب کُرد ایران حاضر نیستند این آقایان را

محکوم کنند، دلیل آنها از نظر ناسیونالیست‌ها واضح است، زیرا این عده کُرد هستند و صرف کُرد بودن کافی است تا بر هر اقدام زشتی پرده استتار کشید. صرف تعلقات ملی بهانه‌ایست تا بر روی هر جنایت و خیانتی سرپوش کشید. این است همان مضمون ناسیونالیست‌های ملی که حزب ما از آن سخن می‌راند. این ناسیونالیست‌ها تنها در اشکال متفاوت‌اند، ولی در محتوی یکی هستند. رهبران حزب دموکرات کردستان ایران، در کنار رهبران خودمختاری کردستان در عراق، در چند سال اخیر از تجاوز امپریالیسم آمریکا به منطقه، به عراق و سوریه حمایت کرده‌اند و آرزو نموده‌اند که آنها به ایران نیز حمله کنند و "حقوق خلق کُرد" را به آنها عطا نمایند. انتظار کسب حق تعیین سرنوشت نه به دست خویش، بلکه به دست دیگری از آرزوهای آنهاست، این گردهای ناسیونالیست‌ها بطور مستمر در ارتباط با صهیونیسم اسرائیل هستند و از حمایت‌های اطلاعاتی و مالی آنها برخوردارند و دست جاسوسان آنها در منطقه را برای کسب اطلاعات و خرابکاری باز گذارده‌اند و این در حالی است که از جنایات جمهوری اسلامی ابزاری ساخته‌اند تا با مبارزه علیه "اسلام سیاسی"، مبارزه با اسرائیل را که لکه ناجوری در منطقه است به دست فراموشی بسپارند و آنرا تحت‌الشعاع قرار دهند. اسرائیل سرپل امپریالیسم در منطقه است و دشمنی با جمهوری اسلامی هرگز نباید نیروهای انقلابی و بشردوست را از مبارزه با این اژدها در منطقه باز دارد. اتفاقاً مبارزه و افشاء صهیونیسم اسرائیل در منطقه ملاکی برای تعیین ماهیت مبارزان صادق و نوکران اجانب در منطقه است. دوستان اسرائیل دوستان خلقهای منطقه نیستند، دشمنان آنان هستند. در مورد آنها این تجربه سندیت دارد:

اول بگو با کیان دوستی
تا من بگویم که تو کیستی
شما هرگز مبارزه‌ای بر ضد ناسیونالیست‌های این ملتها توسط سازمانهای مدعی نمایندگی خلق کرد نمی‌بینید. برعکس آنها همواره در پی ساخت و پرداخت تئوریهای توجیه‌گرانه برای همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم به اشکال گوناگون هستند. از جمله اینکه گویا ایران یک کشور استعماری و امپریالیستی بوده که کردستان ایران را به مستعمره خود بدل کرده و حال "خلق کُرد" برای نجات از اسارت ملی و استعماری و کسب آزادی و استقلال ملی خویش، حق دارد از هر امپریالیستی کمک بگیرد و از امپریالیسم آمریکا دعوت کند به کشورش نیرو پیاده کرده و کُردها را نجات دهد!!!! این مستعمره خواندن کردستان و یا حتی آذربایجان از زبان جاسوسان جمهوری آذربایجان باکو و دولت ترکیه "عثمانی" حتی از زمان شاه تا کنون، همه از یک منبع سرچشمه می‌گیرند. هدف تجزیه ایران و منحرف کردن مضمون مبارزه ملی در ایران است. در ایران، این ملت فارس نیست که ملل دیگر را به اسارت در آورده و سرزمینهای آنها را با قوای نظامی اشغال نموده است. این افسانه را حتی با دلارهای آمریکا و ارز اسرائیلی هم نمی‌شود در ایران فروخت. تمام مردم ایران از هر ملیتی که باشند همواره مورد ... ادامه در صفحه ۴.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

تجزیه طلبان ایرانی همدستان...

سرکوب و ستم طبقه حاکمه ایران بوده‌اند. این طبقه حاکمه مدتها همدست تراریسم و امپریالیسم انگلستان بود که بعد از پیروزی انقلاب اکثراً به نوکری امپریالیسم انگلستان و سپس آمریکا تن داد. رژیم‌های حاکم معاصر در ایران از همان اواخر حکومت قاجار گرفته تا دوران پهلوی حکومت‌های ترک و یا مخلوطی از ترک و فارس بوده‌اند. در بعد از اسلام در ایران اکثراً ترکها و اعراب حاکم بوده‌اند و نه فارسها، ولی همین حکومتها نیز ترکها، فارسها، اعراب و کردها را به یک نسبت سرکوب می‌کرده‌اند، زیرا سرکوب در ایران جنبه سیاسی داشته و نه ملی. این حکومت‌های حاکم به سرکوب همه خلق‌های ایران و مخالفان خویش اشتغال داشته‌اند و نه تنها به سرکوب یک ملت معین. هر کس چنین جعلیاتی بیافریند که گویا مبارزه ملی در ایران جدا از مبارزه با هیات حاکمه ایران و آزادی ایران در تمامیت خود و بر ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی است، آنکس هوادار برادرکشی، تجزیه ایران، همدستی با امپریالیسم، صهیونیسم و داعش است و برای القاء کردن این نوع درک "ملی" ضدبشری به هر اقدام خیانتکارانه و ضد ملی دست می‌زند. اگر امپریالیسم و صهیونیسم دوستان خلق ترک و گُرد بودند، این دوستی را در زمان محمد رضا شاه نوکر امپریالیسم آمریکا نیز باید نشان داده و دلشان برای این خلقها می‌سوخت. ولی تاریخ خلاف آنرا نشان می‌دهد. آنروز امپریالیسم به وحدت ایران نیاز داشت و با هر نوع "تفرقه‌ای" در ایران مبارزه می‌کرد و امروز به تفرقه ایران نیاز دارد؛ این است که از هر حرکت تفرقه‌افکنانه و تجزیه طلبانه حمایت می‌کند. نمونه خودمختاری کردستان عراق در مقابل ماست که با چنگ و دندان در همدستی با ارتجاع منطقه و جهان، در پی جدائی از عراق است و در این امر از همدستی با امپریالیسم، صهیونیسم، حتی موقتاً با دولت ترکیه و داعش نیز ابائی ندارد. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم برای سرنگونی رژیم قانونی بشار اسد همدستی با گُردهای کوبانه را نیز به فال نیک گرفته‌اند تا در فردای آزادی سوریه از این پایگاه در زیر پرچم "حق تعیین سرنوشت به دست دیگری" استخوان لای زخمی در منطقه درست کنند. حزب کار ایران (توفان) این درک امپریالیستی و تجزیه طلبانه از مسئله ملی را محکوم می‌کند و بر ضد تمام نیروهای ضد انقلابی در زیر هر نقابی که باشند و مصالح کور ناسیونالیستون می‌کند و بر بالای سر منافع عمومی همه خلق‌های ایران، بر ضد منافع عمومی و مشترک طبقه کارگر ایران که دارای دشمن مشترکی در ایران است قرار دهند، مبارزه خواهد کرد و این جریان‌های همدست امپریالیسم را که مظلوم‌نمائی می‌کنند بر ملا خواهد نمود. حزب ما به مدعیان نمایندگان تجزیه طلب هیچ ملیتی رشوه نمی‌دهد، وارد بند و بست و معامله سیاسی با آنها نمی‌شود، زیرا مبارزه ملی برای حزب ما دارای مضمون ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی است و به این جهت با ایجاد کردستان بزرگ که باید اسرائیل دومی در منطقه شود به شدت مبارزه می‌کند. رفع ستم ملی در ایران که تنها در اشکالی



معینی از ستم فرهنگی بروز می‌کند و بر نابرابری ملتها دلالت دارد، تنها از طریق سرنگونی رژیم ستمگر کنونی و حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی ایران در یک ایران دموکراتیک امکان دارد. حزب ما به افسانه مستعمره بودن کردستان توسط فارسها که تئوری اسرائیلی است، هرگز اعتقادی ندارد. بی-جهت نیست که نشریه اسرائیلی صهیونیستی "جرزالم پست" به دولت ترامپ در آمریکا در حمایت از تجزیه طلبان کرد پیشنهاد می‌دهد: "در صورتی که آمریکا سپاه را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهد می‌تواند به خواسته‌های کردها در ایران توجه کرده و برای تحقق آن‌ها بکوشد. قطعاً موفقیت کردها در سوریه و عراق می‌تواند الهام بخش کردها در ایران برای به اهتزاز درآوردن پرچم کردی به طور آزادانه در نوروژ و در سایر روزهای جشن‌های ملی باشد." تو خود حدیث مفصل به خوان از این مُجمل.

دیکتاتوری پرولتاریا

جنبش‌های دموکراتیک و کارگری نظیر قیام کمون پاریس از همین قهر ضد انقلابی استفاده کردند و نشان دادند که طبقات حاکمه تنها به نیروی قهر متکی هستند و خود را صاحب اختیار قهر دانسته و بارها اعلام کرده‌اند که قهر باید در حیطه اختیارات دولت حاکمه بماند. قهر یک نیروی انحصاری است و به طبقه در قدرت تعلق دارد. به این جهت بر اساس پژوهش و تحلیل علمی سراسر تاریخ بشریت، تاریخ مبارزه بشر تاریخ مبارزه طبقاتی بوده که موتور تکامل است. این مبارزه با اعمال قهر به پیش می‌رود و ماهیت دولتهای هر مرحله از این تکامل ماهیت دولت طبقه حاکم و تسلط آنها بر اساس دیکتاتوری طبقاتی است. کسی که ماهیت دیکتاتوری طبقات استعمارگر ماقبل سوسیالیستی را نفهمد و یا تحریف کند نمی‌تواند درک روشنی از دیکتاتوری پرولتاریا و لزوم آن در دوران سوسیالیسم تا زوال کامل دولت داشته باشد. لنینسیم بیان این واقعیت بود. رویزیونیستهای انترناسیونال دوم با دسیسه سکوت در مورد این نظریه مهم مارکس و انگلس تلاش می‌کردند از بیان و تبلیغ مقوله دیکتاتوری پرولتاریا که دیکتاتوری برضد ارتجاع و ستمگران ولی وسیعترین دموکراسی برای زحمتکشان است طفره

روند. لنینسیم مبارزه برای تحقق دیکتاتوری پرولتاریا برای دموکراتیزه کردن قطعی تمام جامعه و سرکوب بیرحمانه ضد انقلاب بربرمنش است. این اصل مارکسیستی در انقلاب اکثراً به اثبات رسید و در تمام دوران لنین و استالین تا روی کار آمدن دولت کودتاگر خروشچف در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اجراء شد. پذیرش یا دشمنی با مقوله دیکتاتوری پرولتاریا مرزی است که نشان می‌دهد مارکسیست‌ها-لنینیست‌ها و رویزیونیست‌ها هرکدام دارای کدام پایگاه طبقاتی هستند. این مرز انقلاب و ضد انقلاب است.

لنین در مقاله "سازمان موزون" و دیکتاتوری می‌نویسد: "قطعنامه آخرین کنگره (کنگره مسکو) شوراها مهمترین وظیفه لحظه کنونی را ایجاد "سازمان موزون" و بالا بردن انضباط قرار می‌دهد به چنین قطعنامه‌هایی اکنون همه با طیب خاطر "رای می‌دهند" و آنها را "امضاء می‌کنند"، ولی در باره اینکه عملی کردن آنها به کار بردن شیوه اجبار و آنهم اجبار به شکل دیکتاتوری را ایجاب می‌نماید معمولاً تعمق نمی‌ورزند. و حال آنکه بزرگترین سفاقت و پوچترین خیالی‌افیه بود هر آینه تصور می‌شد که بدون اجبار و بدون دیکتاتوری گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم امکان پذیر است. تئوری مارکس از مدتها پیش با نهایت صراحت برضد این یاوگونی خرده بورژوا-دموکراتیک و انارشستی سخن گفته است." (منتخابات چهارجلدی متن فارسی جلد دوم قسمت اول صفحه ۵۵۳ نگارش آوریل ۱۹۱۸ یکسال بعد از انقلاب اکثراً).

"سوسیالیسم یعنی محو طبقات. دیکتاتوری پرولتاریا برای محو طبقات هرچه از دستش برمی‌آمده انجام داده است. ولی طبقات را نمی‌توان فوراً محو ساخت. طبقات در دوران دیکتاتوری پرولتاریا باقیمانده‌اند و باقی خواهند ماند. دیکتاتوری زمانی غیر لازم خواهد شد که طبقات از بین بروند. طبقات بدون دیکتاتوری پرولتاریا از بین نخواهند رفت." ("اقتصاد و سیاست در عصر دیکتاتوری پرولتاریا"، انتخابات لنین چهارجلدی متن فارسی جلد دوم قسمت صفحه ۳۴۰ نگارش اکثراً ۱۹۱۹ دو سال بعد از انقلاب اکثراً).

حال ببینید که لنین در آوریل ۱۳۲۰ یعنی سه سال تجربه اندوزی پس از انقلاب اکثراً در پاسخ به کسانی که به بیماری کودکی "چپ‌روی" در کمونیسم دچار بودند در فصل "۲- یکی از شرایط اساسی موفقیت بلشویکها" چه می‌گوید: "دیکتاتوری پرولتاریا بیدریغ‌ترین و بی‌امان‌ترین جنگ طبقه جدید علیه دشمن مقتدرتر یعنی بورژوازیست که مقاومتش پس از سرنگونی (ولو در یک کشور) ده بار فزونتر گرییده و اقتدارش تنها ناشی از نیروی سرمایه بین‌المللی و نیرو و استواری روابط بین-المللی بورژوازی نبوده، بلکه ناشی از نیروی عادت و نیروی تولید کوچک نیز هست... بنابر مجموعه این علل دیکتاتوری پرولتاریا ضروریست و پیروزی بر بورژوازی بدون یک جنگ طولانی، سرسخت و حیاتی و مماتی، جنگی که مستلزم پایداری، انضباط، استقامت، تزلزل ناپذیری و ... ادامه در صفحه ۵

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

دیکتاتوری پرولتاریا

و وحدت اراده است، امکان پذیر نیست. باز هم تکرار می‌کنم که تجربه دیکتاتوری پیروزمند پرولتاریا در روسیه به کسانیکه قادر به تفکر نیستند یا کسانیکه در باره این مسئله نیندیشیده‌اند، برای-العین نشان داد که مرکزیت بی‌چون و چرا و انضباط بسیار شدید پرولتاریا یکی از شرایط اساسی پیروزی بر بورژوازیست. (صفحات ۴۱۱ و ۴۱۲).

تجلیل از انقلاب اکتبر تجلیل از دستاوردها و مضمون انقلابی آن است و نه بیان چند عدد عبارات مودبانه برای رفع تکلیف و فریب مردم. مثنی رویزیونیست راه افتاده‌اند و از "نهادینه کردن دموکراسی" در جهان سخن می‌رانند تا ماهیت دیکتاتوری دول را انکار نمایند. دموکراسی آنها نیز مانند "دیکتاتوری" شان غیر طبقاتی است و "سازمانهای غیر دولتی" را به جای حزب می-گذارند. باور کردنی نیست که در قرن بیست و یکم کسی ناظر این همه ریاکاری و دنائت حکومت‌های "دموکراتیک" بورژوازی در آمریکا و اروپا باشد و دشمنی داعش دست پرورده این "دموکراتهای ذاتی" را در پس گردن خود حس کند و بر ویرانه‌های فلسطین، عراق، افغانستان، لیبی، یمن، سوریه و.. بنگرد و هنوز خواب "دموکراسی ناب" بورژوازی ببیند و بر ضد دیکتاتور پرولتری تبلیغ کند. این عده دیگر نادان نیستند دشمنان طبقاتی هستند.

فاجعه گرسنگی از ...

در تغییر دمای زمین در اثر تولید گازهای گلخانه‌ای داشته باشند، مضرات دما، تغییر فصل‌های بارانی و نیز کمبود باران را در زندگی خود حس می‌کنند. لذا مردم این منطقه پیوسته در معرض خشک‌سالی و لاجرم در معرض خطر گرسنگی قرار می‌گیرند. در دنیای امروز که دسترسی به محصولات غذایی برای مردم فقیر روز به روز سخت‌تر می‌شود، دسترسی به زمین و آب جهت تولید مواد غذایی مسأله مرگ و زندگی به شمار می‌آید. کنسرن‌های بزرگ کشاورزی و سرمایه‌گذاران قدر قدرت با خریدن و یا اجاره نمودن درازمدت میلیون‌ها هکتار زمینهای کشاورزی مرغوب، به قیمت نازل، در کشورهای عقب نگه‌داشته‌شده، از جمله کشورهای قاره آفریقا، عملاً کشاورزان خرده مالک را از زمین‌هایشان رانده و به دست بی‌رحم گرسنگی می‌سپارند. اشک تمساح بورژوازی نئولیبرالیسم در غم گرسنگانی که تعداد آنها رو به تزاید است، نه تنها سالوسانه که توهین به شعور بشریت است.

زمانی که کشورهای امپریالیستی و دولت‌های وابسته به آنها با جنگ‌افروزی، ویرانی، کشتار و آواره سازی مردم کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتینی، آنها را از هستی ساقط و گرسنه و تشنه آواره بیابان‌ها می‌سازند؛ زمانی که زمین و آب را از روستائیان، اغلب با کمک دولت‌های مرتجع محلی، این نوکران و مهندسان غارتگران و راهزنان بین‌المللی می‌ربایند و عملاً امکان تولید را از مردم سلب می‌کنند؛ زمانی که مواد اولیه غذایی نظیر ذرت و حبوبات در بازارهای بورس کشورهای سرمایه‌داری روزبه‌روز با قمار در بورس و پیشفروشی، قیمت‌شان افزایش می‌یابد و

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



روستائیان فاقد زمین و مردم فقیر کشورهای عقب‌نگاه‌داشته شده فاقد قدرت خرید آنها هستند، آیا راهی به جز در غلظیدن در بیکاری، فقر، آوارگی و گرسنگی برای آنها باقی می‌ماند؟

صحنه‌هایی که هر از گاهی در رسانه‌های ارتباط جمعی پیرامون گرسنگی از دید جهانیان می‌گذرد و دل هر انسان شرافتمندی را به درد می‌آورد، معلول جنگ و غارت و چپاول است. اتفاقاً آنها که از طریق همین رسانه‌ها اشک تمساح می‌ریزند و مدام به جهانیان القاء می‌کنند که غرب متمدن پیوسته در فکر نجات گرسنگان است! راه حل‌های آنچنانی ارائه می‌دهند، خود باعث و بانی پیدایش میلیون‌ها گرسنه در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و امروز حتی در اروپا و آمریکا هستند.

در جهانی که مواد غذایی می‌تواند به اندازه کافی برای سکنه کره ارض وجود داشته باشد، علی‌القاعده نمی‌بایست کسی گرسنگی به‌کشد. اما واقعیت این است که در جهان امروز قریب به یک میلیارد نفر با فقر و گرسنگی مواجه‌اند. بسیاری از این گرسنگان را اتفاقاً کشاورزانی تشکیل می‌دهند که خود در چرخه تولید شرکت دارند، منتها اجیر شرکت‌های عظیم کشاورزی هستند که تحت حمایت حکومت‌های مرتجع محلی قرار دارند. اغلب این شرکت‌ها هدف اصلی‌شان تولید خوراک دامی، تولید محصولاتی که برای تولید سوخت (بیواتانول و بیودیزل) به کار گرفته می‌شود و نیز تولید غلات جهت فروش در بازارهای بورس جهانی است. آنچه نصیب کشاورزان اجیر شده می‌شود، حقوق بخور نمیری است که به هیچوجه کفاف تأمین مواد اولیه غذایی آنها را نمی‌کند. در صورتی که اگر این کشاورزان برای خود تولید می‌کردند، نه تنها مجبور به گرسنگی نبودند، بلکه برای جمعیت رو به رشد کره زمین نیز که طبق برآورد موجود تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد نفر خواهد رسید، می‌توانست به اندازه کافی مواد غذایی تولید شود. اگر اشک تمساح‌ریزان واقعا به فکر گرسنگان می‌بودند، باید امکان بازگشت کشاورزان بر سر زمین و آبشان را فراهم می‌آوردند تا در درازمدت هم بر فقر، هم بر بیکاری و هم بر گرسنگی غلبه کنند. اما مادام که سیاست نئولیبرالی کسب سود حداکثر و افسارگیکته‌گی سرمایه با پشتیبانی دولت‌ها ادامه دارد، چنین امکانی خواب و خیالی بیش نیست و درب بر همین پاشنه خواهد چرخید. به این ترتیب دره میان فقر و ثروت روز به روز عمیق‌تر می‌شود. فقر و گرسنگی علاوه بر زجری که بر مردم کشورهای تحت سلطه تحمیل می‌کند که با خطر مرگ زودرس همراه است، در درازمدت برای این کشورها که سال‌ها به علت جنگ، ویرانی، غارت، قحطی و استثمار و

چپاول و ... به بیکاری، فقر و گرسنگی در غلظیده‌اند، آینده‌ای بس تیره و تار در راه است.

در کشوری که ویرانی فقر و گرسنگی حاکم گردد، نه مدرسه‌ای دائر است، نه دانشگاهی برقرار است، نه بیمارستانی و نه کارخانه‌ای. در نتیجه مردم این کشورها محکوم به فقر و گرسنگی و فنا هستند. روزانه هزاران نوزاد و کودک خردسال در اثر بی‌غذایی و بی‌دروئی چون برگ خزان بر زمین می‌ریزند و از میان می‌روند.

در مقابل این فقر، ثروت است که رشد می‌کند. امروز تعداد کنسرن‌های تولید و توزیع کننده مواد غذایی در اثر ادغام هر چه بیشتر روز به روز کمتر می‌شوند. قدرت انحصاری کنسرن‌ها بزرگتری که کوچکترها را بلعیده‌اند پیوسته روبه تزاید است. طبق آمار "اکسفام" از سال ۲۰۱۵ دوازده ادغام در شرکت‌های عظیم صورت گرفته است که پنج عدد آنها در رشته‌های شیمی، مواد غذایی، نوشابه و تنباکو بوده است. از اینرو آنها بخت‌کوار سایه شوم خود را بر روند تولید تا مصرف مواد غذایی جهان گسترانده‌اند. آنها سطح دستمزدها چه در تولید، چه در حمل و نقل و چه در توزیع را دیکته می‌کنند. علاوه بر این، این کنسرن‌ها در اثر جهانی‌شدن سرمایه و اعمال سیاست‌های نئولیبرالی تجارت آزاد در کشورهای در حال توسعه و عقب‌نگاه‌داشته شده، نه تنها قیمت محصولات کشاورزی را هر روز گران و گران‌تر می‌کنند، بلکه با دایر کردن فروشگاه‌های زنجیره‌ای در این کشورها، مشغول خالی کردن جیب مردم‌اند. دولت‌ها به جای مقابله با این تمرکز سرسام‌آور، با مقرر ات‌زدایی و دامن‌زدن به سیاست‌های نئولیبرالی تجارت آزاد و خصوصی‌سازی‌ها، جاده را برای کسب سود حداکثر و تمرکز هرچه بیشتر سرمایه هموار می‌کنند. برای نمونه دولت‌های امپریالیستی با دادن یارانه به سرمایه‌داران جهت تولید «بیواتانول» و «بیودیزل» که آنها را در اصطلاح علمی «سوخت‌های زیستی» نیز می‌نامند، عملاً به گرسنگی در جهان دامن می‌زنند.

«بیواتانول» نوعی الکل است که از «کربوهیدرات»‌های شکر و نشاسته و محصولات زراعی مانند نیشکر، ذرت و... تولید می‌شود. این ماده معمولاً به عنوان مواد افزودنی در بنزین به کار می‌رود.

در زمینه یارانه‌دهی مبارزه رقابتی سختی نیز میان امپریالیسم آمریکا با اروپا وجود دارد. این هر دو جبهه علیرغم اینکه قرارداد مربوط به سازمان تجارت جهانی را امضاء کرده‌اند و حق ندارند تولیدات داخلی خویش را با دادن یارانه‌های دولتی قابل رقابت با سایر محصولات کشاورزی در بازار جهانی بکنند، با خندیدن به ریش مردم جهان، این کار را به طور وسیع انجام می‌دهند. در اثر این سیاست یارانه‌دهی، محصولات ممالک امپریالیستی آمریکا و اتحادیه اروپا بشدت افزایش یافته و بهای آنها تنزل می‌کند به‌طوری‌که کشاورزان ممالک سه قاره، قادر ...

فاجعه گرسنگی از ...

نیستند با این کمک رسانی دولتی مقابله کرده و ورشکست می‌شوند و در عمل بازارهای این ممالک در را به روی محصولات ارزان قیمت ممالک امپریالیستی باز می‌کنند تا "آزادی" به خطر نیفتد.

«بیودیزل» از روغن‌های گیاهی نظیر کلزا و چربی حیوانی تولید می‌شود. طبیعی است که این سوخت‌ها که به طور عمده از محصولات کشاورزی و غذایی تولید می‌شوند، جهت تولید مواد اولیه، هم مزارع وسیعی را به خود اختصاص می‌دهند و هم مقدار زیادی از مواد غذایی را می‌بلعند. و به این ترتیب به گرسنگی در جهان بیشتر دامن می‌زنند. از سوی دیگر در جوامع مصرفی نظام‌های سرمایه‌داری روز بروز تولید و مصرف گوشت، چه طیور و چه دامی بالاتر می‌رود. برای تولید میلیون‌ها تن گوشت، میلیون‌ها تن خوراک دام، که چیزی جز غلات و سویا و .. نیست، لازم است. که این خود دلیل دیگری در گسترش گرسنگی به شمار می‌آید.

کنسرن‌های «Bayer»، «BASF» و «Monsanto» در چهارچوب «همکاری‌های مشترک غذایی آلمان German Food Partnership» و با «اتحادیه نوین تأمین تغذیه neue Allianz für Ernährungssicherung» تأسیس کرده‌اند. آنها با استفاده از این ابزار در واقع نیات پلید استعمار و استثمارگرانه خود را در پس پرده «مبارزه با فقر» در آفریقا پنهان ساخته‌اند. آنها در عمل از یکسو بازار فروش بذور و مواد سمی ضدافت نظیر Pesticide را در انحصار خود درآورده‌اند و از سوی دیگر با غصب زمین‌های زراعی، چنگال مخوف خود را بر گلوی زارعین نهاده‌اند. یا آنها را به تدریج از چرخه تولید خارج ساخته و به دست بیکاری، فقر و گرسنگی سپرده‌اند و یا با مزد ناچیز اجیرشان ساخته‌اند. علاوه بر این این کنسرن‌ها با دنبال کردن کشت تک محصولی هم به باروری زمین لطمه وارد می‌کنند و هم خطری برای تنوع محصولات زراعی بشمار می‌آیند. کشاورزان خرد که هنوز در چرخه تولید قرار دارند، به شدت تحت فشارند. برای نمونه اگر در سال ۱۹۸۰ یک کشاورز که به کشت کاکائو اشتغال داشت ۱۶٪ از فروش هر بسته شکلات عایدش می‌شد، امروز این رقم به ۶٪ تقلیل یافته است. عوامل ذکر شده در بالا حکایت از آن دارد که دره میان فقر و ثروت ناگزیر روز به روز عمیق‌تر گشته و بر تعداد فقرا و گرسنگان افزوده می‌گردد.

به دیده "اوکسفام" اختلاف میان فقر و ثروت از سال ۲۰۱۰ به این طرف آنچنان افزایش یافته است که نظم موجود جهان را با خطر جدی مواجه ساخته است. "اوکسفام" به سران ۲۰ کشور که همه ساله در "داووس" سوئیس گرد هم می‌آیند بارها اخطار داده است که نابرابری عظیم اقتصادی و اجتماعی غیر قابل کنترل و در عین حال برای جوامع بشری مخاطره انگیز است.

طبق آمار اخیر "اوکسفام" اگر ۷ سال پیش جمع ثروت ۳۸۸ میلیارد با مجموعه دارانی نیمی از جمعیت کره زمین برابر بود، در سال گذشته این تعداد به ۶۲ نفر رسید و امسال انباشت ثروت تنها ۸ ابر میلیاردی بیش از دارایی نیمی از مردم جهان

فرخی یزدی:

دلم از این خرابی‌ها بود خوش زانکه می‌دانم خرابی چونکه از حد بگذرد آباد می‌گردد.

بروز نژاد پرستی و ...

از آنها به موقع استفاده نماید. در شرایط کنونی که نارضائی مردم افزایش یافته و مبارزه طبقه کارگر رشد می‌یابد و سرمایه داری موفق نشده مشکلات بحران مالی و اقتصادی را بر طرف کند خطر بروز بحرانهای اجتماعی که سامان سرمایه داری را به خطر اندازد منتفی نیست و به همین جهت سرمایه داری به نیروهای ضربتی برای مقابله با جنبشهای کارگری و اتحادیه های آنها، برای مبارزه با کمونیستها و نیروهای دموکرات نیاز دارد. دامن زدن به روحیات ضد خارجی، ضد پناهندگان و سوء استفاده از ترس و نگرانیهای ناشناخته مردم برای پیروزی در "انتخابات دموکراتیک" بخشی از سیاست راهبردی و دوراندیشانه خود بورژوازی امپریالیستی است. هرگز مبارزه این حکومتها با این نیروها جدی نیست برعکس در پنهان از آنها به مثابه همدست در عین حال رقیب استفاده می‌کنند.

تنها راه مبارزه با نژادپرستان ایجاد جبهه وسیع خلقی از همه نیروهای ضد فاشیسم، دموکرات، صلح طلب و آزادیخواه است که هدفشان در درجه نخست منفرد کردن فاشیستها و نژادپرستان، دفاع از حقوق دموکراتیک و دستاوردهای مردمی و افشای ناتوانی احزاب بورژوائی حاکم در اجرای این وظایف است. تا سرمایه داری بر سر کار است نمی‌توان نژادپرستی را از بین برد.

انترناسیونالیسم پرولتری

در عرصه خارجی سیاست حزب ما ایجاد همبستگی با تمام احزاب مارکسیست لنینیست جهان است که به خاطر نابودی امپریالیسم و سرمایه داری و برای استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه می‌کنند. این رفقا مطمئنترین متحدان ما برای ایجاد جامعه سوسیالیستی هستند. حزب ما باید در درجه اول از مبارزات طبقاتی این احزاب در ممالکشان بر ضد حکومتهای دست نشانده و یا حتی مستقل و سرمایه دارانه آنها حمایت کند.

حزب ما به این شعار لنین وفادار است که می‌گوید: " پرولتاریای جهان و خلقهای ستمدیده متحد شوید." این شعار بیان همبستگی برادرانه میان مبارزات طبقه کارگر ممالک متروپل و مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای جهان است. بر این اساس باید میان مبارزات طبقاتی در ممالک سرمایه داری و یا سرمایه داری امپریالیستی را با مبارزات خلقهای جهان برای رهائی ملی و یا دفاع از حفظ استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی خود پیوند زد. این دو مبارزه لازم و ملزوم یکدیگرند. حزب ما با توجه به اوضاع عام جهان و سیر تحولاتی که در بطن جاری هستند از هر مبارزه ملی که در این راستا باشد و در شرایط کنونی به قطع دست امپریالیستها و بویژه امپریالیسم متجاوز غرب تمام شود دفاع می‌کند.

است. "اوکسفام" در عین حال به این مطلب نیز اشاره دارد که دارایی ۱٪ از سرمایه‌داران به مراتب بیش از دارایی ۹۹٪ از کل مردم جهان است. این انباشت نجومی سرمایه تنها می‌تواند با پایین آوردن بی‌مهابای دستمزدها در کلیه سطوح، چه تولیدی، چه خدمات، از بین بردن بیمه‌های اجتماعی، انتقال تولید به کشورهای با دستمزد پایین، گرانی روزافزون کالاهای مصرفی، نظم زدائی در عرصه حرکت سرمایه و گسیل آن به اقصی نقاط جهان ... بوجود آید. تحمیل و اجرای تجارت آزاد که منجر به گسیل مازاد تولید کالاهای کشورهای پیشرفته و غنی به کشورهای فقیر و عقب‌نگاه‌داشته شده می‌شود، که نتیجه‌ای جز مصرفی‌شدن و ادامه عقب ماندگی کشورهای فقیر به ویژه از نظر صنعتی را به همراه ندارد و لاجرم به رشد بیکاری، فقر و گرسنگی دامن می‌زند، وجه دیگری از عملکرد نئولیبرالیسم است. از طرف دیگر تقلیل مالیات بردرآمد ثروتمندان از جانب دولت‌های امپریالیستی و فرار سرمایه از دست مالیات «به جزایر امن» نیز پیوسته بر حجم ثروت آنها می‌افزاید.

از سال ۲۰۱۰ تاکنون ۴۵٪ بر دارایی ابر ثروتمندان افزوده گشته است. در صورتی که طی همین مدت ۳۸٪ از درآمد اقشار فقیرتر جامعه کاسته شده است. نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی در واقع از سال‌های دهه ۱۹۸۰ به این سو به علت تفوق نئولیبرالیسم روز بروز افزایش یافته است.

سامانه سرمایه‌داری نئولیبرالی به همان نسبت که بر ثروت و پیشرفت علمی و صنعتی افزوده است، فقر و گرسنگی را نیز گسترش داده و نهادینه کرده است. ۱۵۰ سال پیش کارل مارکس در جلد اول کاپیتال خود به بررسی و مطالعه قانونمندی نظام سرمایه‌داری و عملکرد و روند تکامل آن پرداخت. او افزایش روزافزون نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان سرمایه‌داران و اکثریت جامعه را «قانون عمومی سرمایه» نامید و آن را امری اجتناب‌ناپذیر در این سامان خواند و راه چاره را در انقلاب اجتماعی و جابجائی قدرت از دست سرمایه‌داری به طبقه کارگر دید. و امروز بیش از هر زمان ثابت گشته است که جز این راهی وجود ندارد.

البته بر رهبران ممالک امپریالیستی این وضعیت روشن است. لافوتنن یکی از رهبران حزب سوسیال‌دموکرات آلمان و بعدها از موسسان حزب چپ در آلمان در خاطرات دوران وزارت دارایی خویش بیان کرد که در گردهمائی سران ممالک گروه ۷ به این مسئله اشاره کرده و با خنده استهزاء آمیز نماینده ژاپن روبرو شده است. وی با لیخند اظهار داشته که جمع ما بنگاه خیریه نیست. جمعی که بنگاه خیریه نیست قادر نیز نخواهد بود تا برضد گرسنگی گام بردارد. وظیفه این جمع کسب سود حداکثر و افزایش گرسنگی است. علت گرسنگی در یمن تجاوز عربستان سعودی به یمن است ولی همه این سران هفت کشور زیر بغل شیوخ منطقه را گرفته‌اند تا مردم یمن را سرکوب کنند. به آنها تسلیحات می‌فروشند زیرا منافع آتی آنها راتامین می‌نمایند و در نتیجه قطب ثروت در یک طرف و قطب فقر در طرف دیگر جمع می‌گردد. به قول

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

جنگ در یمن به دست...

آورد، جنگ را آغاز کرد. ولی حال در گل گیر افتاده است.» این جنگ تاکنون ۱۰ هزار قربانی و ۴۰ هزار مجروح به جای گذاشته است. ۱۸ میلیون یمنی آواره گشته و با خطر گرسنگی حاد و مرگ روبرو هستند. سازمان ملل متحد این خطر را تأیید کرده و از عربستان خواسته است از بمباران بندر بزرگ یمن "بندر الحدیده" که نود درصد مواد غذایی از آنجا وارد خاک یمن می شود، خودداری کند. ولی عربستان و جبهه ائتلاف به یاری آمریکا گوشش به این حرفها بدهکار نیست. ولی مردم یمن علیرغم گرسنگی دادن به آنها از مبارزه دست نمی کشند. روسیه و ایران اعلام کرده اند که راه حل اختلافات یمن مذاکره میان نیروهای داخلی این کشور و انجام انتخابات عمومی و تشکیل دولت است. اما عربستان که شمشیر را از رو بسته است، نمی تواند و نمی خواهد شاهد به وجود آمدن یک دولت مستقل در این کشور باشد.

باید در نظر داشت که جنگ های در منطقه، حداقل مادام که منابع انرژی در این منطقه موجود است، ادامه می یابند. این توطئه ها و تجاوزات علیرغم هزینه های سرسام آور مالی و تلفات جانی که برای متجاوزین در برداشته است، نه تنها به نتیجه دلخواه برایشان نرسیده، بلکه با تغییر شرایط در عراق، لبنان، فلسطین، سوریه و یمن پایشان در گل مانده است. سیاستهای ماجراجویانه و تبهکارانه آنها تحت لوای «مبارزه علیه دیکتاتوری و استقرار دموکراسی و دفاع از حقوق بشر» روزبروز بیشتر رنگ می یازد و مردم جهان بیش از همیشه به ماهیت فریبکارانه استعمارگران پی برده و با آن، چه در کشورهای مترویل و چه در کشورهای مورد تجاوز، به مقابله و مبارزه برمی خیزند. نکته مهمی که نباید از نظر بیفتد جعل اخبار و سکوت جنایتکارانه ممالکی است که خود را حامیان

حقوق بشر و مدافعان دموکراسی و آزادی جا می زند. آنها در حالی که از تظاهر چند نفر اپوزیسیون مورد حمایت آمریکا در روسیه و روسیه سفید حنجره می درند و سر مردم را با دروغهای شاخدار خویش به درد می آورند، در مورد کشتار و آوارگی میلیونی مردم یمن سکوت اختیار می کنند و یا آنرا ناشی از جنگ شیعه و سنی و دخالت های ایران جا می زنند تا فروش سلاحهای خویش به عربستان سعودی و حمایت از این دولت تروریستی و ارتجاعی و تنش آفرین در منطقه را توجیه کنند. تجاوز به یمن افشاءگر چهره های زشت همه امپریالیستها، صهیونیسم و ارتجاع منطقه نیز می باشد. حزب ما از مبارزه عادلانه مردم یمن حمایت می کند و این مبارزه را مبارزه ای در خدمت آزادی و استقلال مردم لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و رهایی منطقه می داند. البته اپوزیسیون خودفروخته ایران که از عربستان سعودی پول اخاذی کرده و با اسرائیل همکاری می کند در هماهنگی با ارتجاع بین المللی از دفاع از مبارزه مردم یمن سر باز می زند و یا در مورد جنایات عربستان سعودی و امپریالیسم سکوت اختیار می کند، و یا به حمایت مستقیم از عربستان سعودی برمی خیزد و یا به مصداق سنگ را ببند و سگ را رها کن، تکیه حمله را بر روی ایران و روسیه می گذارد و مانع می شود که چهره دشمنان مردم یمن و تجاوزگران جنایتکار افشاء شود.

به توفان در تلگرام خوش آمدید

پیام سازمان دمکراسی انقلابی هندوستان به کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

رفقای گرامی، درود های انقلابی خود را به کنگره ۵ حزب کار ایران (توفان) ارسال می داریم. ما با خوشحالی بسیار این درودهای انقلابی را به رفقای ملت برادرمان ایران ارسال می داریم.

توفان برای چند دهه است که بر علیه حکومت ارتجاعی بورژوازی ملاحا و در دفاع از طبقه کارگر و زحمتکشان ایران مبارزه می کند. خصلت به شدت سرکوبگرانه رژیم ایران، کار برای پیشروی بسوی دمکراسی و سوسیالیسم را در ایران بسیار مشکل و بغرنج می نماید. علیرغم سرکوبهای رژیم عقب مانده، حزب کار ایران پرچم سرخ آرمان طبقه کارگر را برافراشته نگهداشته است. رفقای توفانی همچنین وظائف خود را در قبال جنبش بین المللی طبقه کارگر و کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست انجام داده اند.

ما برای حزب کار ایران (توفان) و فعالیت در دوره برگزاری کنگره و پس از آن آرزوی موفقیت داریم. دمکراسی انقلابی، هندوستان ۱۹ آوریل ۲۰۱۶

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۶ منتشر شد، آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند

چرا تحریم؟ اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) پیرامون انتخابات تقلبی ریاست جمهوری اسلامی - پیروزی روحانی و تحکیم نظام اسلامی. نگاهی به مهندسی دوازدهمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری - پیروزی نولیبرالیستها در ایران - طبقه کارگر و مضحکه انتخابات در جمهوری اسلامی - سرمایه باری دیگر جان گرفت پیرامون مرگ جانگداز کارگران معدن «یورت» - خانه از پای بست ویران است گزارشی مجدد از ایران - یادی از رفیق ژان ژیانفر - درافشای تروریسم دولتی جمهوری اسلامی به مناسبت سی امین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) - سوریه دیروز، سوریه امروز! - سالروز پیروزی بر فاشیسم بر همه مردم صلحدوست جهان مبارک باد! - گذشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به چند پرسش - گلچینی از تلگرام توفان در مورد "انتخابات"

توفان الکترونیکی شماره ۱۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۶ ژوئن ۲۰۱۷

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

http://toufan.org/ketabkane.htm
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

https://twitter.com/toufanhezbkar

https://www.facebook.com/toufan.hezbekar
https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک
توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 207 Jun. 2017

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان)
اوضاع بخش نخست به کنگره پنجم حزب کار ایران.
جهان

بروز نژادپرستی و فاشیسم در غرب

در اروپا نیروهای دست راستی در حال رشدند. بحرانهای اقتصادی و ورشکستگی بانکها و دولتها و نجات این ورشکستگان از طریق چپاول ثروت عمومی توسط دولتها، علیرغم مخالفت مردم، رشد بیکاری، سقوط سطح زندگی، بی اثر کردن نسبی قوانین کار و حقوق کارگران، تشدید تضاد طبقاتی و تعمیق شکاف میان قطب فقر و قطب ثروت و سامان نابرابر در توزیع ثروتهای افسانه ای و ... سبب رشد ناراضانی در جامعه می گردند که همراه با بی دورنمایی و هراس از آینده و وعده وعیدهای دروغین هیاتهای حاکمه و بی ثمری آنها مردم به خوراک تبلیغاتی نیروهای دست راستی تبدیل می شوند. هیات حاکمه ممالک امپریالیستی همیشه این نیروهای فاشیستی و چماق بدستان حرفه ای را لای پوست پیاز برای روزهای مبادا می خوابانند تا ... ادامه در صفحه ۶

جنگ در یمن به دست عربستان سعودی در خدمت تسلط گسترده آمریکا بر خاور میانه است (پایان)

- دسیسه و توطئه چینی های مزورانه امپریالیسم فرانسه و ناتو علیه دولت لیبی و کشتار و ویرانی در این کشور و غارت نفت و ثروت آن.
- گسیل جاسوسان سازمان جاسوسی سیا به سوریه و پرداخت پول و اسلحه به تک-تیراندازان دست آموز جهانی، به تروریستهای محلی، از جانب آمریکا و گسیل تروریستهای «سلفی» همراه با پول و اسلحه از جانب عربستان، قطر، ترکیه و کشورهای اروپائی به این کشور که حاصلش جز ویرانی، کشتار و آوارگی نبود.
- شکست مقتضاحانه ارتش دولت صهیونیستی اسرائیل در جنگ ۳۰ روزه لبنان علیه حزب الله.

- مقاومت جانانه خلق فلسطین در مقابل ارتش تجاوزگر اسرائیل.

- و بالاخره حمله عربستان و نیروهای موافقه اش به کشور یمن و باز هم نابودی و ویرانی زیربنا و ابنیه تاریخی، تلاش برای نابودی هویت ملی، کشتار و آوارگی مردم-اش. و سرانجام مقاومت حوثی ها در مقابل تجاوز وحشیانه عربستان به این کشور.

باید افزود که امپریالیستهای آلمان، انگلستان، فرانسه و در راسشان امپریالیسم آمریکا نیز با فروش میلیاردها دلار اسلحه و مهمات به عربستان و دادن مشاوره نظامی به ارتش این کشور، عملاً در جنگ یمن شریک اند. محاصره اقتصادی و گرسنگی دادن به مردم یمن و کشتار کودکان آنها، تنها با حمایت ناوگان حاضر جنگی آمریکا در باب-المنذب و دریای عرب مقدر است. همچنین بیان لاینقطع جمله مشمنزکننده «همه گزینه ها روی میز قرار دارند» از جانب امپریالیسم آمریکا و تهدیدات بدون وقفه دولت تجاوزکار صهیونیستی اسرائیل علیه کشور ما، حاکی از نقشه های تبهکارانه و جنگ افروزانه است که برای ایران تدارک دیده اند. اما در این محاسبات امپریالیستها همه چیز موافق میل آنها پیش نرفت. عقب نشینی آمریکا از عراق به علت درماندگی در باتلاق جنگ ۱۳ ساله و مقاومت مردم در قبال سلطه جویی این امپریالیسم ماجراجو و توسعه طلب؛ جنگی که به روایتی ۳ بیلیون دلار برای آمریکا هزینه داشت و ۵ هزار سرباز آمریکائی را قربانی ساخت، شکست «دولت اسلامی» (داعش) ساخته و پرداخته امپریالیسم و ارتجاع در سوریه، جملگی حکایت از آن دارند که توطئه ها و تجاوزات گستاخانه امپریالیسم و ارتجاع با مقاومت و مبارزات خلقها، یکی پس از دیگری نقش بر آب می شوند. یمن نمونه بارز آن است؛ در دومین سالگرد حمله تجاوزگرانه عربستان به این کشور صدها هزار نفر از مردم یمن در صنعا علیه عربستان دست به تظاهرات زدند. دولت عربستان سعودی که بر دریائی از پول سوار است برای غلبه بر مشکلات نظامی و پوشاندن شکست هایش در جنگ یمن با دادن رشوه و خریدن حکومت های نظیر حکومت سودان از آفریقا ارتش و مزدور برای ادامه جنگ در یمن تهیه می کند. ناوگان دریائی آمریکا نیز هر جا کار آل سعود را زار می بیند، به یاری داعش و القاعده می آید که در پی شیعه کشی در منطقه هستند.

اخیرا در این نمایش چندصد هزار نفره، علی عبدالله صالح به شدت از نقش عربستان انتقاد کرد و گفت: «تا زمانی که ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به جنگ ادامه دهد، مردم آزاده یمن به مقاومت خود ادامه خواهند داد.» عبدالملک حوثی، رهبر حوثی ها گفته است: «ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی با این توهم که ظرف یک هفته و یا یک ماه یمن را به تصرف درخواهد ... ادامه در صفحه ۷

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany